

الهیات فراجنسیتی و الگوی سوم زن

فاطمه بهروزبایاتی^۱

زهرا شوقیان عزت^۲

چکیده

در طول تاریخ، مسائل مربوط به خدا و دین اکثراً از الهی‌دانان مرد دریافت شده‌است و نقش مردان در این زمینه در دوران پس از دوران صدر اسلام پررنگ تر بوده است. الهیات فراجنسیتی به این معناست که الهیات آن‌گونه که هست معرفی شود و جنسیت مفسر و الهی‌دان اعم از مرد یا زن در خوانش الهیات و پرداختن به آن هیچ تأثیری نگذاشته باشد. در الهیات فراجنسیتی، اگر الهی‌دان یک مرد باشد همانگونه از الهیات صحبت می‌کند که یک الهی‌دان زن. در این‌گونه الهیات، رنگ و بویی از تفسیر مردانه و یا زنانه وجود ندارد. در این پژوهش که به روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی، تحلیلی انجام شده است، جایگاه الگوی سوم زن که برخاسته از گفتمان انقلاب اسلامی در مورد زن بوده و توسط مقام معظم رهبری مطرح شده‌است، در این الهیات بررسی شده است. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، الهیات ارتباطی به جنسیت نداشته و زنان و مردان در این زمینه برابری و این مسئله در تحقق الگوی سوم زن مؤثر می‌باشد.

واژگان کلیدی: الگوی سوم زن، الهیات فراجنسیتی، الهیات، جنسیت، زن، الگوی سوم

۱. سطح چهار تفسیر تطبیقی مجتمع علوم اسلامی کوثر؛ fbfbayati@gmail.com

۲. سطح چهار تفسیر تطبیقی مجتمع علوم اسلامی کوثر؛ Zahrashoghianezat@gmail.com

Abstract

Theology means what is related to God and divine knowledge is one of the types of wisdom. Transgender theology means that theology is introduced as it is, and the gender of the commentator and theologian, whether male or female, does not have any effect on reading theology and dealing with it. In transgender theology, if the theologian is a man, he talks about theology in the same way as a female theologian. In this kind of theology, there is no male or female interpretation. Since throughout history, issues related to God and religion have mostly been received from male theologians, and the role of men in this field has been more prominent in the period after the early days of Islam, in this research, which is descriptive library approach, An analysis has been done, the position of the third model of women, which arose from the discourse of the Islamic Revolution about women and was proposed by the Supreme Leader, has been examined in this theology. According to the findings of the present research, according to the discussed topics, theology has no relation to gender and women and men are equal in this field.

Key words

The Third Pattern of Woman, Transgender Theology, Theology, Gender, Woman, The Third Pattern

مقدمه

اسلام و قرآن، مترقی ترین بینش را نسبت به جایگاه زن در نظام خلقت دارد و تا کنون مکتبی اینگونه به زن به عنوان انسانی کامل و هم دوش مرد توجه نکرده است و اختلافات و تمایزات آنها به تناسب توانمندی آنها است. بنابراین با قدرت تفکر و بصیرت می توان دریافت شبهاتی که درباره قوانین و احکام اسلام مطرح می شود، ساخته و پرداخته ذهن بشر است که یا از روی عناد و یا از روی جهل به مبانی اسلام نسبت داده شده است و در قسمت های دیگر این نوشتار به آنها اشاره می شود. اسلام به عنوان مترقی ترین راهنمای انسان به سوی سعادت، اصولاً تفاوتی بنیادین و وجودی بین زن و مرد قایل نشده است و تنها وظایف انسان ها در این عالم مادی متفاوت است.

همین اصل در رساندن الهیات به دست مردم هم موضوع مهمی است. اینکه الهیات ارتباطی به جنسیت نداشته و زنان و مردان در این زمینه برابرند. گفتمان انقلاب اسلامی ایران نیز در حوزه زنان به دلیل این که برخاسته از آموزه ها و تعالیم دین مبین اسلام می باشد، نگاهی متعادل به مقوله حضور اجتماعی زنان می باشد و در این راستا، انفعال و حاشیه نشینی زن از یک طرف و تبدیل شدن به کالای تبارج از طرف دیگر را نفی می کند و الگوی متعالی را مطرح می کند که در سالهای اخیر با عنوان «الگوی سوم زن» در بیانات مقام معظم رهبری به صراحت مطرح شده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران یکی از مسائلی که به شکلی جدی مورد بحث و توجه افکار عمومی ایران و جهان قرار گرفت موضوع «زن» بود. انقلاب اسلامی در فضایی به پیروزی رسید که مکاتب گوناگون و ایدئولوژی های سکولار مدرن هر یک به فراخور مبانی و جهت گیری های خود نگاهی خاص به مقوله ی زن را ترویج و فرهنگ عمومی جوامع مختلف تحت تأثیر این نگاهها ساخته می شد. اما انقلاب اسلامی حرف و نگاهی نو و تحول آفرین را در این موضوع پیش روی بشریت گذاشت. این نگاه جدید در قالب کنش گری و فعالیت «زن مسلمان

ایرانی» عینیت یافت و به تعبیر حضرت آیت الله خامنه‌ای «الگوی سوم زن» را تحقق بخشید. الگویی که «نه شرقی است و نه غربی» (خامنه‌ای، سیدعلی، پیام به کنگره‌ی «هفت هزار زن شهید کشور» ۱۳۹۱/۱۲/۱۶)

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- الهیات

الهیات یعنی هرآنچه مربوط به اله باشد و علم الهی یکی از اقسام حکمت است چون حکمت شامل علوم طبیعت و ریاضی و علم الهی می‌شود. علم الهی، علم خدانشناسی است و خدانشناسی در اسلام به معنای شناخت الله و مقربان اوست (لغت‌نامه دهخدا؛ واژه اله). علم الهیات به معنای مصطلح و مفهوم عرف کلام و فلسفه، مباحثی است مربوط به شناخت و اثبات وجود خداوند و صفات جلال و جمال او، از صفات ثبوتیه و سلبیه و صفات ذات و فعل.

۱-۲- الهیات فراجنسیتی

الهیات فراجنسیتی به این معناست که، الهیات آنگونه که هست معرفی شود و جنس مفسر و الهی دان اعم از مرد یا زن در تعریف و شرح و بسط این الهیات و پرداختن به آن هیچ تاثیری نگذاشته باشد. در الهیات فراجنسیتی، اگر الهی دان، یک مرد باشد همانگونه از الهیات صحبت می‌کند که یک الهی دان زن. در اینگونه الهیات، رنگ و بویی از تفسیر مردانه و یا زنانه وجود ندارد.

۱-۳- الگوی سوم زن

الگوی سوم زن، الگویی است که برخاسته از گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه زنان می‌باشد که برای نخستین بار توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است، لذا شایسته است مفهوم آن نیز در منظومه فکری ایشان بررسی گردد.

الگوی سوم زن، الگویی است که نه شرقی است و نه غربی. زن در تعریف غالباً شرقی همچون عنصری است در حاشیه و بی نقش در تاریخ سازی و در تعریف غالباً غربی، به مثابه موجودی است که جنسیت او بر انسانیتش می چربد. اما در نگاه رهبر انقلاب اسلامی می توان «زن بود، عفیف، محجبه و شریف بود اما در عین حال، در متن و مرکز جامعه بود». (همان) این توجه هم زمان به حضور دختران و زنان هم در متن و هم در مرکز، یکی از شاخصه های «الگوی سوم زن» است که نشان می دهد بانوان ما چه به عنوان پیروانی پی گیر و چه به عنوان پیشتازان پی ریز می توانند و باید در حوزه های مختلف جامعه نقش ایفا کنند.

ویژگی های الگوی غربی این است که زن به عنوان زنِ امروزی و فعال اجتماعی بوده و خانواده برایش اهمیت ندارد و در عوض برهنگی و شخصیت اجتماعی برایش ارزش درد. الگوی شرقی هم این است که زن فقط خانه دار بوده و هیچ آگاهی و علمی نداشته و حق دخالت در امور اجتماع را ندارد، الگوی نوع سوم که زن مسلمان می باشد، زنی است که در ارتباط با خدا و خانواده و جامعه ایفای نقش می کند و در بزنگاه های اجتماعی و سیاسی یک کنشگر است و از طرفی در حفظ خانواده کوشاست.

۲- موضوع الهیات اسلامی

در الهیات از ادله ای که برای اثبات خدا اقامه شده است، بحث می شود و همچنین از صفات کمالیه الله و افعال تکوینی و تشریحی او که بر حسب لطف و حکمت، صدور آن صفات از خداوند به اراده و اختیار واجب است، و همچنین از سنتهای الهی در عالم خلقت و تکوین و عالم تشریح و تکلیف و نتایج و غایات افعال الهی و از افعالی که از او صادر نمی شود و عنایات عامه و خاصه او نسبت به بندگان بحث می شود. در این مفهوم تمام مباحث توحیدی، نبوت و شرایع و فلسفه تشریح و معاد و هر چه از جنود ظاهری و غیبی اوست، یعنی تمام علوم اسلامی وارد می شود.

۳- سیر تاریخی علم الهیات اسلامی

الهیات در اسلام از ابتدای حیات دین اسلام آغاز شده است. ابن ابی‌الحدید که از دانشمندان اهل سنت می‌باشد می‌نویسد: حکمت و بحث در امور الهی فن احدی از اعراب نبود و در میان آن‌ها سابقه‌ای نداشت و اولین شخص از عرب که در این علم الهیات، خوض کرد حضرت علی علیه السلام بود که مباحث دقیق توحید و عدل در سخنانش پراکنده است. (ابن ابی‌الحدید؛ ج ۱۳؛ شرح خطبه ۲۳۱؛ ص ۴۸)

۴- الهیات فراجنسیتی در اسلام

از آنجا که تاکنون در طول تاریخ مسائل مربوط به خدا و دین را اکثراً از الهی‌دانان مرد دریافت کردیم و نقش مردان در این زمینه در دوران پس از دوران صدر اسلام پررنگ تر بوده است لازم است در این بخش به بررسی نقش زنان در الهیات پرداخته شود تا معلوم شود که تا به الآن آیا الهیات، جنسیتی بوده و یا فراجنسیتی.

البته باید احتیاط کرد که به بهانه بحث از الهیات فراجنسیتی، در دام پیامدهای منفی الهیات فمینیستی گرفتار نشد. بحث فمینیسم اسلامی در جوامع مطرح می‌شود. فمینیسم اسلامی یکی از گرایش‌ها یا فرمی از فمینیسم است. فیمینیسم اسلامی گرایشی عملی و نظری است که از درون به یک پارادایم اسلامی متصل می‌باشد و به‌طور کلی در ارتباط با نقش زنان در اسلام بحث می‌کند که به نحوی خواستار برابری کامل همه مسلمانان در جوه زندگی عمومی و خصوصی بدون هیچ نوع تبعیض جنسیتی می‌باشد. به عبارت دیگر فیمینیست‌های اسلامی از حقوق زنان، برابری جنسیتی و عدالت اجتماعی بر پایه و اساس یک چارچوب اسلامی، دفاع می‌کنند. فیمینیسم اسلامی فهم و قدرتش را از قرآن می‌گیرد و در جستجوی حقوق و عدالت برای زنان و مردان در تمامیت وجودشان است. برهان اساسی فمینیسم اسلامی این است که قرآن بر اصل برابری تمام افراد بشر تأکید می‌کند؛ بنابراین مردسالاری و تبعیض جنسی را مردود دانسته و خواستار برابری زن و مرد (همچون دیگر برابری‌ها در اجتماع)

است. (مارگوت بدران، ۱۳۸۶). آنچه ایراد این نوع نگرش است این است که نمی‌توان منکر این مسئله شد که فمینیسم اسلامی نیز به نوعی نشأت گرفته و متأثر از جریان فمینیستی سکولار از نوع غربی آن است (هرچند مورد مخالفت بسیاری از فمینیست‌های مسلمان است)؛ به طوری که پیشگامان جنبش فمینیسم اسلامی؛ خواسته یا ناخواسته از گفتمانهای رایج «فمینیسم غیر اسلامی» استفاده کرده‌اند و آن را به عنوان بخشی از جریان یکپارچه جنبش «فمینیسم جهانی» شناسانده‌اند. این گرایش فمینیسم به شدت توسط برخی مورد اعتراض قرار گرفته و توسط برخی دیگر با شور و شوق حمایت شده‌است.

اسلام در ترسیم جایگاه زنان، آنها را امانت الهی، مظهر زیبایی، محبوبیت، بی‌نیازی، مظهر ظرافت و حساسیت و نقطه اتکاء در مسائل روحی و معنوی معرفی می‌کند و از زن به عنوان عنصر اصلی در خانواده یاد می‌کند. اسلام به تساوی میان فرزندان دختر و پسر تأکید دارد و از اختلاف قائل شدن بین آنها نهی کرده‌است. بر اساس روایتی از پیامبر اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم، پسران نعمت و دختران برکت توصیف شده‌اند. از دیدگاه اسلامی، زنان حق شرکت در زمینه‌های سیاسی، قدرت و حاکمیتی را دارند. در تاریخ اسلامی نیز، زنانی گزارش شده‌اند که در زمینه‌هایی چون مبارزه سیاسی، بیعت، هجرت، جهاد و برخی فعالیت‌های اجتماعی نقش داشته‌اند. در قرآن، زنان در کنار مردان به ایفای نقش در فعالیت‌های سیاسی مورد اشاره قرار گرفته‌اند. در خصوص مبارزه با استبداد، قرآن از فعالیت‌های سه زن مرتبط با موسی مادر و خواهر موسی و زن فرعون یاد می‌کند که در مبارزه با استبداد فرعون، نقش به‌سزایی ایفا کرده‌اند.

در اجتماعی که برای زنان چندان ارج و بهایی در نظر گرفته نمی‌شد، پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله وسلم برای زنان جایگاه و ارزش خاصی تعریف فرمودند در گفتار و عمل

زنان در جامعه اسلامی دارای ارزش و منزلت هستند، همانطور که در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام این قضیه نمایان است. (مرتضی مطهری، ص ۱۰۵) رسول گرامی اسلام در زمان

جنگ، به برخی از زنان، ماموریت مداوای افرادی که در جنگ مجروح میشدند را بر عهده شان میگذاشت و زنانی دیگر در تامین آب و غذای سربازان و دیگر وظایف لشکری ماموریت داشتند و برخی حتی در صحنه نبرد رو در رو با دشمن حضور داشتند زن در اسلام فردی تاثیر گذار در جامعه میباشد و در مسائل مهم اجتماعی نقش آفرینی میکند و تاریخ اسلام، شاهد حضور فعالانه زنان در اجتماع بوده است.

نمونه ای از کسب انواع فضایل و درجات، علاوه بر فضیلت مادری و همسری و خانه داری در این مجال،

بررسی می شود:

الف: زنان در میدان علم

زنان به عنوان گروهی از جامعه انسانی، در عرصه ایمان و کمال علمی تفاوتی با مردان ندارند بلکه گاهی هم میتوانند به مقامی دست یابند که مردان بزرگ، از آنان درس تقوا و شجاعت بگیرند، نمونه های آشکاری هم از این زنان در تاریخ وجود دارد؛ زنانی که با تربیت خویش و حرکت در جهت رضای خداوند در مسیر الهی گام برداشتند. (طاهره روحانی، ص ۱۱) حضرت محمدصلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة» دانش طلبی بر هر مرد و زن مسلمان، واجب است (مجلسی، ج ۶۷، ص ۶۱)

با شنیدن این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم لازم است در هر شرایطی، خودمان را برای آموختن، آماده کنیم، به همین دلیل مسلمانان از ابتدای اسلام، به آموزش، به خصوص آموزش دین اهمیت میدادند. هر کس با هر وسیله ممکن، با حضور در مسجد و منزل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به سخنان و خطبه های ایشان گوش میداد و برای جامعه بیان میکرد، در این میان، زنان نیز حضور داشتند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: زنان انصار بانوانی شایسته اند و حیا مانع فقه آموزی آنان نمیشود.

رسول خدا روزی را به آموزش بانوان اختصاص داده بودند و مسائل دینی و اجتماعی را به آنان، آموزش می دادند. ایشان فرمودند: هر کس کنیزی را آموزش دهد و او را ادب کند و بعد آزادش کند و شوهر دهد، دو اجر خواهد داشت. (طاهره روحانی، ص ۱۲)

زنان دانشمند

فعالیت‌های علمی فراوانی از زنان صدر اسلام در کتابهای تاریخی ثبت شده است و ثمره‌ی این فعالیت‌های علمی در جامعه بروز خواهد داشت. هرچند برای کسب علوم هم باید در اجتماع حاضر شد. البته بانوانی همچون حضرت فاطمه و حضرت زینب (سلام الله علیهما) عالمه بی‌معلمه بوده‌اند

در این نوشتار تنها به برخی از زنان دانشمندان اشاره می‌کنیم:

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، شاگردانی مثل اسماء، فضا، ام ایمن و رقیه داشتند، ام سلمه و دیگر زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز از معلمان مدارس زنان بوده‌اند.

مادر حسن بصری نیز، زنی دانشمند بود

یکی از زنانی که در آن عصر خواندن و نوشتن یاد میدادند شفا دختر عبدالله ابن عبد شمس بود که زنی مسلمان و از مهاجران اولیه بود و بنا به دستور پیامبر خدا آموزش حفصه، همسر آن حضرت را برعهده گرفت. این عمل باعث شد دیگر زنان نیز به آموختن روی بیاورند به طوری که از حضرت خواستند روز خاصی را برای تعلیمات دینی به بانوان اختصاص دهد؛ پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم هم قبول کردند. پس از رحلت ایشان هم حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و همسران پیامبر خدا در مسائل دینی و فقهی مرجع مردم شدند و خانه هر یک از آنها به صورت مدرسه‌ی درآمد و آنان به عنوان مصادر تحقیقاتی بزرگان در آمده بودند

زنان معلم

برای نشر علوم دریافتی نیز باید در صحنه اجتماع حاضر شد و یا محل رجوع افراد جامعه بود حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و همسران پیامبر معلم بسیاری از بانوان آن زمان بودند، زینب کبری سلام الله علیها کرسی تدریس داشتند و بهترین الگو در مساله آموزش به زنان در عصر ولایت هستند. ایشان عالمه غیر معلمه هستند

مادر حسن بصری برای زنان با نقل احادیث در مسجد، مطالب و احکام دینی را تبلیغ میکردند و این زمانی بود که پسرش حسن هم به همین وظیفه مشغول بود

زنان مرجع

تقلید، مساله ای ثانوی و اضطراری است و اگر نه به عنوان حکم اولی، هر کسی موظف است به دنبال یاد گرفتن احکام شرعی و تکالیف شرعی خود برود. در دریافت و اجرای این وظیفه نیز باید در صحنه اجتماع حاضر شد؛ البته این وظیفه برای همه امکانپذیر نیست و تنها عده معدودی توان انجام این وظیفه را دارند تا به مرحله اجتهاد و استنباط برسند؛ زنانی هم که به دنبال این وظیفه رفته و فقیه بودند: حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، ام سلمه، جویریة، اسماء، عایشه، زینب، ام شریک، ام درداء شامی، عمره (دختر عبدالرحمان)، عایشه (دختر طلحه)

زنان حافظ و قاری

حفظ قرآن مونس برای روزهای تنهایی و نگرانی انسان است

امام سجاد « علیه السلام » فرمودند: « اگر تمامی کسانی که بین مشرق و مغرب هستند بمیرند ولی

قرآن، همراه من باشد وحشت نمیکنم (کلینی، محمدابن یعقوب، ص ۶۱۰)

تعدادی از بانوان در زمان امیر مومنان علیه السلام، در عرصه حفظ قرآن کوشش کرده اند

فضه: او در سرزمین اسلام به خودسازی و مسائل دینی علاقمند شد و در شمار خادمان اهل بیت علیهم السلام جای گرفت و از حافظان قرآن کریم شد، وی در تمام مصیبت ها همدم فاطمه زهرا سلام الله علیها بود

بنانه (دختر یزیدابن عاصم الزدی): وی از قاریان قرآن کریم بود که به دست خوارج از دنیا رفت

حفصه (دختر سیرین): ایشان زمان امیر المومنین علیه السلام را درک کرد و از سادات جلیل القدر بودند، شهرت بسیار در قرائت قرآن و عبادت و بیان حدیث و دانش فقهی داشتند. ایاس ابن معاویه میگوید هیچکس را از او با فضیلتتر ندیدم، در دوازده سالگی به خوبی تلاوت قرآن میکردند.

ب: زنان دین گستر در میدان عمل

حضور زنان در بیعت

درک اهمیت حضور زنان در بیعت های دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام مستلزم در نظر گرفتن بیعت به عنوان یکی از حساس ترین امور سیاسی اسلام است

در واقع در این بیعتها مسلمانان بیان میدارند که در هر شرایط و زمینه ای، از اوامر رهبری اطاعت خواهند کرد و در تبعیت از او هیچ گونه سستی به خود راه نخواهند داد.

خداوند در قرآن کریم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطاب میکند که با زنان بیعت نماید و آنگاه که پیامبر از زنان بیعت گرفت به آنان اعلام کرد که شما از عناصر اصلی اجتماع و ارکان بنیادی هستید.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ
أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ
إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (ممتحنه (۶۰)، آیه ۲۱)

ای پیامبر چون زنان باایمان نزد تو آیند که بااین شرط با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک
نسازند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و بچه های حرامزاده پیش دست و پای خود رابا
بهتان (و حيله) به شوهر نبندند و در کارنیک از تو نافرمانی نکنند با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان
آمرزش بخواه زیرا خداوند آمرزنده مهربان است.

زیرا زنان عضوی از جامعه هستند و برای حفظ و سلامت آن، باید به میزان سهم خود از آن پاسداری
کنند. با توجه به این آیه، این مطلب بسیار آشکار است که اسلام برای زنان ارزش قائل شده و آنها را
درمهمترین مسائل، از جمله بیعت که بارزترین مظهر عمل سیاسی است، به حساب آورده است. آنان نیز
در این امر مهم شرکت نموده و شرایط مربوط به آن را پذیرفته اند

در عصر رسول و ائمه علیهم السلام، زنان بسیاری با ایشان بیعت کرده و بر سر پیمان خویش می-
ماندند. فاطمه بنت اسد مادر امام علی علیه السلام، همسر ابوطالب، از زنانی است که جزو اصحاب پیامبر
صلی الله علیه و آله وسلم به شمار میروند، یازدهمین فردی است که مسلمان شد و اولین زنی است که
با پیامبر بیعت کرد.

زنان مؤمن و با تقوای دیگری همچون اسماء دختر ابوبکر، اسماء دختر عمیس، ام سلیم دختر
خالد خزرجی، ام ایمن دختر ثعلبه ابن عمر، و زنان دیگری با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بیعت
کردند.

زنان و هجرت

تجربه تاریخی نشان میدهد که در هر مقطعی از زمان گروهی از مردم با وجود هدایت فطرت الهیشان به مسیر صراط و صالح، تنها به دلیل زیستن و ماندن در جامعه کفر هم‌رنگ جماعت میشوند و رفته رفته تحت تاثیر روح حاکم بر جامعه قرار میگیرند، خداوند در چنین شرایطی دستور به هجرت میدهد

خداوند درباره هجرت زنان آیاتی را نازل فرموده:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَأَمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَرِ وَاسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَ أَلْوَا مَا أَنْفَقُوا ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (ممتحنه (۶۰)، آیه ۱۰)

«ای کسانی که ایمان آورده اید چون زنان با ایمان مهاجر نزد شما آیند آنان را بیازمایید خدا به ایمان آنان داناتر است پس اگر آنان را باایمان تشخیص دادید دیگر ایشان را به سوی کافران بازنگردانید نه آن زنان برایشان حلالند و نه آن (مردان) بر این زنان حلال و هر چه خرج (این زنان) کرده اند به (شوهران) آنها بدهید و بر شما گناهی نیست که در صورتی که مهرشان را به آنان بدهید با ایشان ازدواج کنید و به پیوندهای قبلی کافران متمسک نشوید (و پایبند نباشید) و آنچه را شما (برای زنان مرتد و فراری خود که به کفار پناهنده شده اند) خرج کرده اید (از کافران) مطالبه کنید و آنها هم باید آنچه را خرج کرده انداز شما مطالبه کنند این حکم خداست (که) میان شما داوری میکند و خدا دانای حکیم است.

در این آیه مبارکه خداوند هجرت آنها را مقدس دانسته (البته بعد از اثبات ایمان آنها) و پیامبر باید با آنها بیعت کند. بسیاری از پیروزی های اسلام، مدیون فعالیت های زنان است و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نیز این حضور و فعالیت را با بیعت گرفتن به رسمیت شناختند. هجرت همواره رنج ها و

سختیهایی به دنبال دارد، حضور فیزیکی زنان در این سفرها حاکی از این واقعیت است که ایمان جدید آنچنان در رگ های وجود زنان مسلمان ریشه دوانده بود که همه علقه ها و علاقه هایشان را کنار گذاشته بودند. رنج هجرت، برای یک زن به خاطر لطافت وجودی اش کمتر از مردان نیست

زنان مهاجر به حبشه

در هجرتی کامال مخفیانه حدود ۸۳ مرد و ۱۸ زن حضور داشتند

از جمله زنانی که در این هجرت شرکت داشتند

اسماء بنت عمیس بود که پس از ایمان آوردن به رسول صلی الله علیه و آله و سلم به دلیل آزار و اذیت مشرکان همراه همسر خود به حبشه هجرت کرد. ام سلمه و همسرش هم از اولین خانواده های بودند که ایمان آورده و به حبشه هجرت کردند

زنان و امر به معروف و نهی از منکر

در قرآن کریم سه چیز به عنوان مالک برتری آمده: ایمان به خدا، امر به معروف، نهی از منکر

در دین مبین اسلام، خودسازی و اصلاح جامعه، موکدا توصیه شده است. امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است که هر انسان مسلمانی باید با دل مهربان و زبان نرم و از روی دلسوزی عهده دار آن باشد و در این وظیفه خداوند هیچ تفکیکی بین زنان و مردان قائل نشده است.

خداوند خطاب به زنان و مردان امت اسلامی میفرماید

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۲۱۱

آل عمران

و باید از شما گروهی باشند که (همه مردم) را به سوی خیر (اتحاد، اتفاق، الفت، برادری، مواسات و درستی) دعوت نمایند، و به کار پسندیده وادارند) و از کار ناپسند و زشت بازدارند؛ و اینانند که

یقیناً رستگارند.

این آیه نسبت به زنان و مردان عمومیت دارد شامل هر دو جنس انسان میشود، شاهدبراین عمومیت آیه زیر است:

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (توبه(۹)، آیه ۱۲)

مردان و زنان با ایمان دوست و یار یکدیگرند؛ همواره به کارهای نیک و شایسته فرمان میدهند و از کارهای زشت و ناپسند باز میدارند، و نماز را برپا میکنند، و زکات میپردازند، و از خدا و پیامبرش اطاعت مینمایند؛ یقیناً خدا آنان را مورد رحمت قرار میدهد؛ زیرا خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است.

در این آیات مبارک و نورانی راه رسیدن انسانی که خلیفه الهی است به رحمت و اسعه خداوند، پس از رسیدن به مقام قرب الهی، دستگیری از مردم است و انسانی می تواند این نقش را به خوبی ایفا کند که خود به کمال معنویت فردی رسیده باشد، که این مهم فارغ از جنسیت است؛ به همین دلیل زنان بسیاری پا به پای مردان در تغییر احوال و افکار، سر منشا بودند.

زنان راوی

یک گروه از این بانوان بودند که به بیان احادیث معصومان علیهم السلام میپرداختند

امام صادق علیه السلام در وصف راویان احادیث میفرماید: «عرفوا منازل شیعتنا بقدر ما یحسنون من روایاتهم عنا» «منزلت شیعیان ما را با میزان تالش نیکوی آنان برای روایت احادیث ما بشناسید».

قرآن کریم میفرماید: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر، آیه ۹)؛ «بگو آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند تنها خردمندانند که پند پذیرند».

قرآن در آیات کریمه اش نگاه فراجنسیتی به انسان دارد؛ آیه ۳۵ سوره احزاب نیز از آیات محکماتی است که باید آن را به مثابه یک اصل مفسر و اصل حاکم بر همه آیات دیگر دانست. خداوند تعالی در این آیهنیل به کمال و در اوج اعمال صالح که سرانجام آن «مغفرت» و «أجر عظیم» یعنی پاداش بزرگ پروردگار می باشد را برای زن و مرد بصورت مساوی دانسته است و بر این اساس مسأله جنسیت و زن یا مرد بودن در بهره مندی از کمالات و حقوق انسانی را کاملاً نفی می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِیماً (احزاب(۳۳)، آیه ۳۵)»

نکته قابل تامل این است که این دیدگاه در تصریح بر تساوی حقوق زن و مرد در بیش از ۱۴۰۰ سال پیش و در این آیات قرآن، در زمان و زمانه ای بوده که در فرهنگ رائج زن در حد یک کالا خرید و فروش می‌شد. یعنی حتی انسان درجه ۲ هم به حساب نمی‌شد.

زن ستیزی و تبعیض جنسیتی در تاریخ، آنچنان بوده که نه در ۱۴۰۰ سال پیش بلکه تا همین چند دهه پیش در اروپا حق رأی برای زنان به رسمیت شناخته نشده بود. و این یعنی زنان در جایگاه رسمی شهروند درجه دوم محسوب می‌شدند و توزیع حقوق شهروندی بر اساس جنسیت بود! و با در نظر گرفتن این نکته اهمیت نگاه انسانی و فراجنسیتی قرآن کریم بهتر درک خواهد شد. (مقاله منزلت زن از منظر قرآن کریم)

یکی از مشکلات اصلی که زن‌ها در مواجهه و بازخوانی ادیان مختلف با آن روبه‌رو هستند و به آن توجه کرده‌اند، همین تصویر مذکر از خداست. الیزابت کدی استنتون (فعال اجتماعی آمریکایی و از رهبران

جنبش حقوق زنان در آمریکا) می‌گوید: «اصلا همه تحقیری که در جوامع، در طول تاریخ نسبت به زن‌ها شده‌است، دقیقا ناشی از همین بوده که زنها در ادیان تحقیر شده‌اند.» و بعد می‌گوید: «این تحقیر ناشی از این بوده‌است که خدا مذکر بوده و مرد هم خدا بوده یا مرد نماینده خدا بر روی زمین بوده‌است، بنابراین زن در خدمت و بردگی مرد است.» یا مثلا بعدتر مری دیلی (متخصص الهیات، نویسنده، فیلسوف، و استاد دانشگاه آمریکایی) می‌گوید که: «تا وقتی که خدا مذکر باشد، مذکر هم خداست و وضعیت زنان در ادیان و بعد در اجتماع همین‌طور است، چون در تصویری که ما از خدا در ادیان مختلف به دست می‌دهیم، در واقع داریم نهادی سیاسی و یا واقعیتی سیاسی با آن می‌سازیم.» بعدا هاردینگ که یک معرفت‌شناس معروف فمینیست است توضیح می‌دهد که «دقیقا همین تصویری که ما از واقعیت داریم، کنش سیاسی و کنش‌های اجتماعی ما را تعیین می‌کند و بعد همان کنش‌ها دوباره واقعیت را به یک نحو دیگری بازنمایی می‌کنند.» به همین دلیل این‌که تصویر ما از خدا چقدر مذکر، چقدر مونث و چقدر فراجنسیتی باشد، در واقعیت، در عمل و در عمل سیاسی و اجتماعی ما موثر است؛ فقط چیزی نیست که منحصر به ادیان باشد. با مراجعه به قصص قرآنی می‌بینیم خداوند برای الگو برداری شخصیت‌های داستان را از همه آنچه موجب می‌شود تا به زمان، مکان، نژاد و فرهنگ خاصی تعلق یابند می‌زاید و تمام قوام شخصیت آنها را به اعتقادات، اراده و کردارشان می‌داند. چنان‌که ساره همسر حضرت ابراهیم (ع) را مظهر تقوا، هاجر، مادر اسماعیل مظهر صبر، مادر حضرت موسی مظهر توکل و حضرت مریم (س) به عنوان مظهر عفاف و آسیه مظهر مبارزه با ستم و زنان دیگر معرفی می‌شود. در واقع سخن قرآن در الگوگیری مربوط به مواردی است که به مکان و زمان خاصی تعلق ندارد نه درباره اموری که متعلق زمان و مکان خاصی می‌باشند مثل تنوع غذایی و نوع پوشش و نحوه ساختمان سازی، استفاده از ابزار جنگی در آن دوران نظایر آن. اگر ما درباره اسوه و الگو بودن حضرت زهرا (س) صحبت می‌کنیم درباره اموری فرا مکانی و فرا زمانی مانند، توکل و حیا، مبارزه با ظلم، کمک به محرومین، محبت به خانواده و هم‌نوع و نظایر آن می‌باشد (عاطفه زرسازان)

درسوره تحریم نیز خداوند متعال بعد از اینکه ازدو زن، برای کافران مثال می‌زند؛ برای مومنان هم دومتال از زنان مومن مطرح می‌فرماید تا به تمام جهانیان القاء کند که برای ایمان، الگوی مذکر و مونث مطرح نیست، در مسیرایمان افرادی با تمام ویژگیهای مومنانه قرار گرفته اند تا چراغ راه مومنان باشند. در کمتر جایی از قرآن خداوند مستقیماً به شخصیت هایی به عنوان الگو اشاره فرموده که یکی از آن موارد، اشاره به حضرت مریم سلام الله علیها و خانم آسیه همسر فرعون درسوره تحریم بوده است. اما از بهترین نمونه‌ها در الگوی الهیات فراجنسیتی حضرت زینب سلام الله علیها هستند. «حضرت زینب(س) روز عاشورا قیام کردند، قیام ایشان علیه ظلم بود، ما ظلم را فقط سیاسی یا اجتماعی می‌دانیم، اما واقعیت این است که ظلم ساحت‌های مختلفی دارد، به عنوان مثال یکی از ساحت‌های تغییر دین فقط این نبود که نماز یا ولایت عوض شده بود، ما خیال می‌کنیم این تغییرات بوده است، اموی‌ها و عباسی‌ها الهیات را تغییر دادند، الهیاتی پای کار آمده بود که درونش ظلم‌ساز است، این الهیات بستر ستم و ظلم بود و به خاطر این امام حسین(ع) می‌فرمایند، باید این الهیات را اصلاح کنم و به دین جدم برگردانم.

الهیات دین الهیاتی نبود که پیامبر(ص) آورده بود یا همان الهیاتی که خدا آن را به پیامبر(ص) داده بود، بنابراین وقتی می‌گوییم مبارزه با ظلم، این اصلاح فقط در بحث نماز و مبارزه با حاکم شراب‌خوار نیست، اینها خیلی حداقل است، اینها عمیق‌تر بود اینکه اساساً این الهیات، الهیات ظلم‌سازی بود، بستر ستم را ایجاد می‌کرد و امام حسین(ع) و حضرت زینب(س) به دنبال اصلاح این الهیات اموی و عباسی و ارائه الهیات الهی بودند حضرت زینب(س) در قیام خود تأکید داشتند که این الهیاتی که امویان دارند الهیاتی تک جنسیتی و الهیاتی است که از دل آن، ستم به زنان تولید می‌شود. اساساً این الهیات بستی برای ستم علیه زنان است، چون الهیات امویان تک جنسیتی است و انسانی نیست الهیاتی که پیامبر آورد انسانی و فراجنسیتی بود، امویان در طول ۵۰ سال الهیات را تک جنسیتی کردند و الهیات آنها الهیاتی است که مانند پیش از اسلام ستم و ظلم را بر زنان روا می‌دارد. اینکه حضرت زینب(س) به دشمنان فرمودند که شما به

دوران جاهلیت برگشتید به این معنا نیست که آنها به بت برگشتند بلکه منظور حضرت زینب (س) این است که امویان به این مسئله برگشتند که دوباره زن‌ستیزی این بار با یک مکانیسم دیگر آشکار شده بود و لذا حضرت زینب(س) روز عاشورا برای احیای الهیات الهی الهیاتی که مسئله جنسیت در آن مطرح نیست، قیام کردند. حضرت زینب(س) در روز عاشورا مکررا خود را فرزند رسول الله(ص) و حضرت زهرا(س) معرفی می‌کردند. امام حسین(ع) و همه اهل بیت (ع) اینگونه خود را معرفی فرمودند. حضرت زینب(س) در مسجد کوفه و مجلس یزید نیز می‌خواهند خود را معرفی کند، می‌بینیم ایشان در آنجا نیز تأکید دارد که ما را فرزند پیامبر(ص) بدانید و حضرت زینب(س) می‌داند که امویان ایشان را فرزند پیامبر(ص) حساب نمی‌کنند چرا؟ چون در الهیات اموی کربلا نبرد دو الهیات علوی و اموی است، نبرد الهیات پیامبر آسمانی و الهیات جنسیت‌زده اموی است، الهیات حامی انسان اعم از مرد و زن و الهیات مردسالار زن‌ستیز اموی در مقابل هم قرار گرفته‌اند، حضرت زینب(س) روز عاشورا می‌دانست در تفکر اموی‌ها آنها مانند دوران پیش از اسلام امتداد نسل را فقط از طریق مرد می‌دانند، آنها هم می‌گفتند حضرت زینب دختر پیامبر(ص) نیست و به ایشان اعلام می‌کردند تو از طریق مادر نمی‌توانی فرزند پیامبر(ص) باشی چه ربطی دارد تو خود را فرزند پیامبر(ص) معرفی کنی و لذا حضرت زینب(س) را با اینکه می‌شناختند، کشتند و ناراحت هم نشدند، چون اصلا ایشان را فرزند پیامبر(ص) از لحاظ بیولوژیک نمی‌دانستند و حضرت زینب(س) روز عاشورا با اینکه می‌داند آنها باور ندارند تأکید دارد که من فرزند پیامبر(ص) هستم و می‌خواهد این نکته را برای تاریخ بگوید که ای مردم امتداد نسل را مانند اموی‌ها جنسیتی و ضد زن ندانید که می‌گویند نسل از طریق مادر امتداد پیدا نمی‌کند بلکه از طریق مادر امتداد پیدا می‌کند در نگاه اهل بیت(ع) امتداد نسل توسط هم زن و هم مرد است و لذا ما هم فرزند پیامبر(ص) هستیم. به این دلیل است که با اینکه حضرت زینب (س) می‌داند بازهم تأکید و اصرار دارد مردم بدانید این نگاه ماست، در نگاه ما الهیات زن‌ستیز و تک جنسیتی نیست، در نگاه ما الهیات پیش از اسلام نیست، پیامبر(ص) برای این کار آمد و حسین(ع) به این علت قیام کرده است. با این تفاسیر، عاشورا نبرد دو الهیات است، الهیات انسان محور الهی و الهیات تک جنسیت و

زن ستیز اموی و حضرت زینب(س) در روز عاشورا با این کد دادن می‌خواهد این الهیات را جا بیندازد و این الهیات که امروز در دنیا مطرح است، زنانه بوده و چقدر حضرت زینب(س) در اینجا نقش آفرین است، ایشان نه می‌خواهد الهیات فمینیستی باشد و نه می‌خواهد الهیات تک جنسیتی باشد، می‌خواهد الهیات انسانی الهی باشد. روزی امام کاظم(ع) و هارون در مدینه گفت و گویی داشتند، امام کاظم سلامی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرستادند و فرمود: «سلام ای جد من». هارون گفت: پیامبر(ص) که جد تو نیست شما از طریق مادر به پیامبر(ص) می‌رسید و از طریق مادر امتداد نسلی پیدا نمی‌شود.

امام(ع) فرمود، ای هارون آیا تو ما را فرزند پیامبر(ص) نمی‌دانی؟ آیا تو قرآن خواندی، در قرآن حضرت عیسی فرزند حضرت ابراهیم شمرده شده، از زمره او شمرده شده هست یا خیر؟ گفت، بله فرمود تو می‌دانی عیسی علیه السلام اصلا پدر نداشت، ولی خدا او را فرزند ابراهیم شمرده، او فقط از طرق مادر انتساب دارد، حال فهمیدی که انتساب فقط پدری نیست از طریق مادر نیز این امتداد نسلی پیدا می‌شود. در نگاه اهل بیت(ع) الهیات اسلامی و الهی تک جنسیتی، مردسالار و زن ستیز نیست. الهیات زینب(س) فراجنسیتی است، امروزه به جاست که ما الهیات را با شیوه حضرت زینب(س) زنده کنیم، امروزه باید مانند ایشان، الهیات متعالی فراجنسیتی را به دنیا معرفی کنیم.» (دکتر یحیی جهانگیری)

نقش حضرت زهرا سلام الله علیها در الهیات فراجنسیتی

فاطمه زهرا س انسان کامل و الگویی فراجنسیتی برای تمام دوران است.

نکته ای که در رابطه با الگوگیری از حضرت زهرا(س) مغفول مانده آنکه بسیاری از افراد گمان می‌کنند حضرت زهرا(س) الگویی صرفا برای زنان است در حالی که فاطمه زهرا به عنوان یک انسان کامل الگو برای همگان است چنان که وقتی قرآن حضرت رسول(س) را به عنوان الگو برای ما معرفی می‌کند، ایشان را الگو برای مردان نمی‌داند چرا که در الگوگیری در اموری چون صبر، توکل، خدامحوری و غیره جنسیت مطرح نیست

الگو در زبان عربی اسوه و به معنای مقتدا و پیشواست. قرآن حضرت رسول (ص) را به عنوان اسوه معرفی کرده و می‌فرماید: "لقد كان لكم في رسول الله اسوه حسنه" برخی این پرسش را طرح می‌کنند که این الگو برای آن زمان بوده است در حالی که قید زمانی در این آیه نمی‌بینیم و از آن سو می‌دانیم قرآن جاودانه است و مخاطب آن همگان هستند؛ به غیر از آن در آیه ای دیگر از قرآن می‌خوانیم: "قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ". این آیه حضرت ابراهیم (ع) و مؤمنین با او را به عنوان اسوه و الگو معرفی می‌کند در حالی که می‌دانیم ۳ هزار و ۴۰۰ سال فاصله زمانی از زمان حضرت ابراهیم تا زمان خاتم النبیین وجود دارد در عین حال قرآن تصریح می‌کند حضرت ابراهیم همچنان الگو و اسوه است.

حضرت فاطمه (س) فعالیت‌های اجتماعی و موضع‌گیری‌های سیاسی متعددی داشته است. هجرت به مدینه، مداوای پیامبر (ص) در جریان جنگ احد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ص ۹۶)، رساندن آذوقه برای پیامبر در جنگ خندق (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴۵) و همراهی‌اش در فتح مکه (واقعی، ۱۴۰۹ق، ص ۶۳۵) از جمله فعالیت‌های وی قبل از رحلت پیامبر (ص) است؛ اما بیشتر فعالیت‌های سیاسی فاطمه (س) مربوط به دوران کوتاه زندگی‌اش پس از رحلت پیامبر است. از مهم‌ترین موضع‌گیری‌های سیاسی حضرت فاطمه زهرا سلم الله علیها مخالفت با واقعه سقیفه و انتخاب ابوبکر به عنوان خلیفه پس از پیامبر، رفتن به خانه سران مهاجر و انصار برای اقرار گرفتن از آنان در خصوص شایستگی و برتری امام علی (ع) برای خلافت، تلاش برای بازپس‌گیری مالکیت فدک، خواندن خطبه فدکیه در جمع مهاجرین و انصار، دفاع از حضرت علی (ع) در ماجرای هجوم به خانه او، سخنرانی در جمع زنان (مهاجر و انصار) که به عیادتش آمدند و وصیت کردن برای انجام مراسم پس از مرگش به صورت مخفیانه و پنهانی (فرهمندیپور، ص ۳۰۹-۳۱۶)

مخالفت با تصمیم شورای سقیفه

بعد از اینکه شورای سقیفه تشکیل شده و عده ای با ابوبکر به عنوان خلیفه بیعت کردند، حضرت فاطمه در کنار حضرت علی (ع) و بعضی از صحابه با این اقدام مخالفت کردند؛ (یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۴) زیرا در واقعه غدیر،

پیامبر(ص) امام علی(ع) را جانشین خود معرفی کرده بود(امینی، ج ۱، ص ۳۳). بر اساس گزارش‌های تاریخی حضرت فاطمه زهرا به همراه حضرت علی نزد صحابه رفته و از آنان طلب یاری می‌کردند، اما آنان به دلیل بیعت با ابوبکر از یاری امتناع می‌کردند. (ابن قتیبه دینوری، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۹ و ۳۰)

فدک و خطبه فدکیه

پس از غصب فدک توسط ابوبکر، حضرت فاطمه(س) با این اقدام او مخالفت کرد.(جوهری بصری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۰۹) او برای بازپس‌گیری فدک با ابوبکر گفتگو کرد و پس از ارائه دلیل و شاهد(همان). ابوبکر در نوشته‌ای فدک را از آن فاطمه دانست؛ اما عمر بن خطاب با بی‌احترامی آن نوشته را از فاطمه(س) گرفت و پاره کرد. کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۵۴۳) در این ماجرا حتاکی عمر نسبت به حضرت فاطمه زهرا و سقط جنین ایشان، پیش آمد.(مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۱۸۴ و ۱۸۵) حضرت فاطمه پس از بی‌نتیجه ماندن تلاشش برای بازپس‌گیری فدک، به مسجد پیامبر رفت و در حضور صحابه خطبه‌ای، که بعدها به خطبه فدکیه مشهور شد، خواند و در آن، اقدام ابوبکر در مصادره فدک و غصب خلافت را نکوهش کرد و آنان را وعید دوزخ داد. (طبری امامی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۰-۱۲۱).

همراهی با تحصن‌کنندگان مخالف ابوبکر

پس از آنکه صحابه، ابوبکر را خلیفه خواندند و با او بیعت کردند و سخن پیامبر(ص) بر جانشینی امام علی(ع) را نادیده گرفتند، فاطمه(س) به همراه علی(ع)، بنی‌هاشم و تعدادی از صحابه با این بیعت مخالفت کردند و در خانه فاطمه تحصن کردند. (یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۴؛ ابن کثیر، ۱۳۵۱-۱۳۵۸ق، ج ۵، ص ۲۶۶؛ ابن هشام ج ۲، ص ۶۵۶).

دفاع از حضرت علی(ع) در واقعه هجوم به خانه

به دنبال هجوم موافقان خلافت ابوبکر به خانه علی(ع)، فاطمه(س) در مقابل مهاجمان ایستاد و از بردن جبری علی(ع) برای بیعت با ابوبکر ممانعت کرد. (ابن قتیبه، ۱۴۱۳ق، ج ۱ ص ۳۰) بر اساس گزارش ابن عبدربه، از عالمان اهل سنت در قرن سوم و چهارم قمری، عمر برای شکستن این تحصن و گرفتن بیعت اجباری از صحابه و

حضرت علی علیه السلام به خانه آن حضرت هجوم برده و حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در این واقعه به شدت مجروح شده و فرزندشان سقط شده و در بستر بیماری می‌افتند. (ابن عبدربه اندلسی ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۳؛ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۵؛ ابن ابی‌الحدید ، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۱؛ طبری امامی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۳۴؛ صدوق، ۱۳۷۹ش، ص ۲۰۶)

خشم فاطمه(س) از ابوبکر و عمر

پس از این ماجرا، فاطمه پس از یادآوری روایت پیامبر که خشنودی و خشم پیامبر را در گرو خشنودی و خشم فاطمه قرار داده بود، به ابوبکر و عمر اعلام کرد که باعث خشم او شده‌اند (بخاری ، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۸۲؛ ابن‌قتیبه دینوری، ، ۱۴۱۳ق/۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۳۱؛ کحاله، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۱م، ج ۴، ص ۱۲۳-۱۲۴).

خطبه در دیدار با زنان مهاجر و انصار

جمعی از زنان مهاجرو انصار پس از آن واقعه به عیادت حضرت فاطمه آمدند و حضرت در این دیدار پس از حمد و ثنای الهی و درود فرستادن بر پدرش به شدت مردان (مهاجران و انصار) را به این سبب توبیخ و نکوهش کرد که جانشینی پیامبر را از جایگاهش کنند و از پایگاه رسالت دورش کردند؛ و خود را گرفتار زبانی اشکار ساختند. حضرت زهرا(س) در ادامه سخنش علت روی‌گردانی مردم و انتقامشان از امام علی(ع) را پایبندی و محافظت او بر اجرای عدالت دانست و تصریح کرد که اگر به حکومتش دل می‌دادند و او را می‌پذیرفتند؛ آنان را به آبشخوری گوارا وارد می‌کرد که آب از دو سوی آن لبریز بود، و درهای برکات زمین و آسمان بر آنان باز می‌شد و اینک که حکومت و حاکمیتش را نپذیرفتند خداوند آنان را به آنچه کرده اند مؤاخذه و عقاب خواهد کرد. (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۰۸) بر اساس برخی گزارش‌ها پس از این دیدار چون مردان مهاجر و انصار در جریان قرار گرفتند برای (به ظاهر) عذرخواهی و (بیشتر به قصد) توجیه کاری (بیعت با ابوبکر) که کرده بودند به حضور فاطمه آمدند که حضرت زهرا(س) به آنان فرمود: دور شوید از من، که دیگر، بعد از عذرخواهی های غیر صادقانه، عذری باقی نمانده است و این تقصیر و اشتباه شما قابل برگشت نخواهد بود (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۰۹)

و در این جریانات چه زیبا و مستدل حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها تبیین فرموده و حق را آشکار کرده و حجت بر کوردلان و فریب خوردگان و معاندان تمام میکنند تا جایی که خصم را وادار به قبول اشتباه و عذرخواهی میکنند. اگر این الهیات، فراجنسیتی نیست، پس چیست؟

«فاطمه (س) در فضای خفقانی که همه اصحاب پیامبر و نام آوران جنگ های حنین و بدر و احد در مدینه خاموش شده بودند ، یک تنه و تنها و با شدت و مقاومت مبارزه می نمود ؛ رویه ای که حتی در دوران معاصر، در بین کمتر زنانی دیده می شود. فاطمه(س) در حالی که هنوز عزادار از دست دادن پدر بود به همراه علی (ع) حتی شبانه به خانه شخصیت‌های مؤثر سیاسی انصار و مهاجرین میرفت ، یاران بزرگ پیغمبر را ملاقات می نمود و به مهره های اصلی آگاهی می داد واز آنها انتقاد می کرد که با انتخاب ابوبکر چه اشتباه بزرگی انجام داده اند و حق جانشینی که پیامبر به علی(ع) داده بود را نادیده گرفته اند. این تلاش های فاطمه(س) با هدف روشنگری و تحلیل کردن و نیز هشدار دادن به فاجعه ی پیش روی جامعه ی نوپای اسلام صورت می گرفت.

و این اقدامات، دلسوزی و احساس مسئولیت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را برابر امتی می‌رساند که سرپرست خود را از دست داده‌اند؛ و مردم کسی را که پیامبر به او اعتماد داشت، به رهبری نگرفته و رهایش کرده‌اند؛ همان کسی که پیامبر درباره او می‌گفت: ((به خدا سوگند اگر امور خود را به او، (به علی علیه السلام اشاره می‌کرد)، بسپارید، شما را به راه روشن هدایت می‌کند))

این روشنگری اجتماعی در ماجرای فدک ادامه یافت و حضرت فاطمه (س) توانست این درخواست از خلیفه را دستاویزی برای مناقشه درباره مسئله ی بنیادین، یعنی خلافت، قرار دهد و این حقیقت را به مردم بفهماند که تنها گذاشتن علی(ع) و به سوی ابوبکر روی گرداندن، لحظه انحراف از مسیر اصلی اسلام بوده است.

ایشان خلیفه حاکم را متهم ساخت که با تحریف کلام پیامبر به خیانتی آشکار دست زده؛ چراکه ابوبکر در ظاهر با استناد به کلامی از پیامبر که فرموده بود: ((پیامبران ارثی از خود به جای نمی گذارند مگر صدقه...)) اقدام به غصب فدک نموده بود ، حضرت فاطمه سلام الله علیها که این به مردم نشان دادند که خلیفه برای پیشبرد منافع

خود حتی کلام پیامبر خدا را نسخ می‌کند. در واقع پافشاری فاطمه (س) برای پس گرفتن فدک، جهتی سیاسی داشت و به منظور رسوا نمودن خلیفه صورت می‌گرفت و بعد اقتصادی آن اهمیت چندانی برای ایشان نداشت

این تلاش‌ها درشرایطی از سوی حضرت فاطمه (س) صورت می‌گرفت که امکان مبارزه مستقیم امام علی (ع) وجود نداشت با این وجود همگان از جمله ابوبکر می‌دانستند که تا فاطمه(س) حامی علی (ع) است نمی‌توانند از او بیعت بگیرند و به مقاصدشان برسند؛ چرا که فاطمه (س) در برابر قدرتی که حق نمی‌دانست کمتر نرمشی نداشت؛ چنانچه تا پایان عمر کوتاه خود موضع قاطع و خشمگینانه اش را نسبت به غاصبان خلافت حفظ فرمودند

حضرت زهرا (س) حتی با وصیت خود پس از شهادت نیز یک کنش سیاسی بسیار هوشمندانه انجام داد. ایشان وصیت کرد که احدی از کسانی که به او ستم کرده اند در تشییع جنازه اش حاضر نشوند و شبانه او را دفن کنند

در حقیقت، با این وصیت نامه، حربه سیاسی از دست حاکمان وقت گرفته شد؛ چرا که امکان داشت آنها در مرگ فاطمه(س) با مرثیه سرایی و اظهار همدردی، مخالفتها و مبارزات حضرت زهرا (س) را در دفاع از حق امام علی (ع) در جانشینی پیامبر را تحت الشعاع قرار دهند و خلافت غاصبانه خود را در اذهان جامعه برحق جلوه کنند. اما دفن شبانه فاطمه (س) و نامشخص بودن مکان دفن ایشان، این سؤال را در میان امت اسلامی ایجاد کرد که چرا دختر گرامی پیامبر چنین وصیت کرده است؟ امام علی (ع) با عمل به وصیت آن حضرت ، اذهان جامعه را دچار شک و تردید نمود و تا حد زیادی مشروعیت خلیفه وقت را زیر سؤال برد

مطابق با چنین تصویری، فاطمه (س) زنی است که در سطحی فراتر از زنان جامعه ی هم عصر خود زیسته است و بی آنکه در زندگی خانوادگی درگیر تضادهای نقشی شود، در فضای جامعه ی هم عصر خود به عنوان زنی قدرتمند ظاهر و در جامعه کاملاً "شناخته شده بوده است و اینگونه تمام تلاش خود را درشناساندن اسلام اصیل به مردم، به کار بستند. یکی از اقداماتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم باهدف تربیت انسانها، انجام میدادند

بوسه بر دستان دختر و احترام به این برکت آسمانی بود. «پدري دست دختر خود را می بوسد»؛ «آنهم دختر کوچکش را». چنین رفتاری در چنان محیطی، یک ضربه انقلابی بر خانواده ها و روابط غیر انسانی محیط بوده است چنین رفتاری چشمان کم سوي بزرگان و سیاستمداران و توده ی مردم مسلمان پیرامون پیغمبر را به عظمت شگفت فاطمه می گشاید و بالاخره چنین رفتاری از جانب پیغمبر به همه ی انسان ها و انسان های همیشه می آموزد که از عادات و اوهام تاریخی و سنتی نجات یابند.

پیام زندگی کوتاه فاطمه این است که اگر ملاک راهنما بودن و بیان الهیات اسلامی، انسانیت و آزادگی و بندگی و فهم و رشد و دانایی و مسئولیت و سازندگی است، چه فرق است میان زن و مرد؟ وجود فاطمه افق گشایی می کند و بر نگاههای مردسالارانه و درجه دومی به زن خط می کشد و زن را همتراز مرد می کند. اگر فاطمه معادل و هم سنگ یکی از بهترین مردان تاریخ است، پس حجت تمام است و راه برای هر زنی باز است که از این بانوی بزرگ و اسوه، تأسی کند و در جامعه خود به وظایف انسانی اش عمل کند و برای رسیدن به تعالی گام بردارد.

نتیجه گیری

اسلام و قرآن، مترقی ترین بینش را نسبت به جایگاه زن در نظام خلقت دارد و تا کنون مکتبی اینگونه به زن به عنوان انسانی کامل و هم دوش مرد توجه نکرده است؛ از نظر اسلام، در همه ی فعالیت های مربوط به جامعه ی بشری و فعالیت های زندگی، زن و مرد دارای اجازه ی مشترک و همسان هستند؛ همین اصل در رساندن الهیات به دست مردم هم موضوع مهمی است. گفتمان انقلاب اسلامی ایران نیز در حوزه زنان به دلیل این که برخاسته از آموزه ها و تعالیم دین مبین اسلام می باشد، نگاهی متعادل به مقوله زنان داشته، در این راستا، انفعال و حاشیه نشینی زن از یک طرف و تبدیل شدن به کالای تبارز از طرف دیگر را نفی می کند و الگوی متعالی را مطرح می کند که در سالهای اخیر با عنوان «الگوی سوم زن» در بیانات مقام معظم رهبری به صراحت مطرح شده است. الگوی سوم زن همان الگویی است که با توجه به در منظومه فکری مقام معظم رهبری، ظهور بانوان در انقلاب

اسلامی و دفاع مقدس می تواند معرف تعریفی جدید از زن در ساحت های سه گانه «رشد و تهذیب شخصی» «تشکیل و حفظ خانه و خانواده متعادل» و «ولایت و جهاد اجتماعی» باشد که ظرفیت های جهانی شدن و بن بست شکنی بحران بین المللی زن را دارد. با توجه به مباحث مطرح شده، الهیات، ارتباطی به جنسیت نداشته و زنان و مردان در این زمینه برابرند.

منابع و ماخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۷ش
۲. نهج البلاغه، ترجمه ناصر مکارم شیرازی (۱۳۸۴ش)، تهیه و تنظیم محمد جعفر امامی و محمد رضا آشتیانی، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب ع.
۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ۱۳۷۸ق
۴. ابن عبدربه اندلسی، العقد الفريد، دارالکتب العلمیة، ج ۵، ۱۴۰۹ق
۵. ابن قتیبه دینوری، الامامة والسیاسة، دارالاضواء، بیروت، ج ۱، ۱۴۱۳ق/۱۳۷۱ش
۶. ابن کثیر، تاریخ ابن کثیر، مکتبه المعارف، بیروت، ج ۵، ۱۳۵۱-۱۳۵۸ق
۷. ابن هشام، سیره النبویه، دارالمعرفه، ج ۲، بی تا
۸. امینی، الغدير، ج ۱، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت عليهم السلام، ۱۳۹۳ش
۹. بخاری، صحیح البخاری، ج ۵، ۱۴۰۱ق
۱۰. جوهری بصری، السقیفه و فدک، مکتبه النینوی الحدیثه، تهران، ۱۴۱۳ق
۱۱. حلبی، السیره الحلبیه، ج ۳، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۰ق
۱۲. خامنه ای، سید علی، زن و بازیابی هویت، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰
۱۳. _____، بیانات در اجتماع بانوان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰
۱۴. _____، پیام به کنگره ی «هفت هزار زن شهید کشور» 1391/16/12
۱۵. روحانی، طاهره، زنان دین گستر در تاریخ اسلام، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ج ۱، ۱۴۰۱ش
۱۶. صدوق، معانی الاخبار، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۹ش
۱۷. طبرسی، احتجاج، ج ۱، انتشارات دارالنعمان، ۱۴۰۳ق

۱۸. طبری امامی، دلائل الامامه، انتشارات دارالهدی، الاحیاء التراث الاسلامی، ۱۴۱۳ق
۱۹. عاملی، رنج‌های حضرت زهرا(س)، ج ۲، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۲ش
۲۰. عسکری، سقیفه: بررسی نحوه شکل‌گیری حکومت پس از پیامبر، ۱۳۸۷ش
۲۱. فرهمندپور، «سیره سیاسی فاطمه»، انتشارات حضرت عباس علیه السلام، ۱۳۸۵ش
۲۲. کحاله، اعلام النساء، موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۱۲ج ۴، ق/۱۹۹۱م
۲۳. کلینی، الکافی، ج ۱، دارالثقلین، ۱۳۶۳ش
۲۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۰، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ق
۲۵. مفید، الاختصاص، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۴۱۴ق
۲۶. واقدی، المغازی، ج ۲، موسسه بوستان، ۱۴۰۹ق
۲۷. هلالی، اسرار آل محمد، دارالنشر اسلامی، ۱۳۷۸ش
۲۸. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، دارصادر، ج ۲
- مقالات
۲۹. مارگوت بدران، ترجمه ناهید کشاورز، فمینیسم اسلامی چه می‌گوید؟
۳۰. مقاله نقش فاطمه زهرا (س) در مناسبات جامعه‌ی صدر اسلام پس از رحلت پیامبر
- سایت‌ها
۳۱. خبرگزاری شبستان